

به نام خدا

نقش خویشاوندان در تحکیم خانواده در آموزه های رضوی

نگارش: احد داوری^۱

Davariahad.blog.ir

چکیده:

تأثیر خانواده در موفقیت هر فردی انکار ناپذیر است و این موفقیت زمانی دوام می یابد که خانواده دارای استحکام مطلوبی باشد، لذا شناخت عوامل تحکیم خانواده نیز دارای اهمیت است؛ بویژه اگر این شناخت از افق فرابشری صورت گیرد؛ البته بررسی مسأله از دیدگاه امام رضا علیه السلام با توجه به شرایط خاص فرهنگی، اجتماعی و سیاسی عصر آن حضرت اهمیت خاصی خواهد داشت. در این مجال با محور قرار دادن گفتار و رفتار امام رضا علیه السلام به تبیین ارتباط با خویشاوندان به عنوان یکی از عوامل موثر در تحکیم روابط خانوادگی پرداخته شده و با ذکر چگونگی تأثیر این ارتباط در تحکیم نهاد خانواده، راهکارهای استحکام روابط خانوادگی بنابر آموزه های رضوی در موارد زیر برشمره شده است: حسن خلق، صله رحم، نیکی به والدین، تربیت فراگیر فرزندان، رعایت حقوق اقتصادی خانواده و الگو گیری از خانواده نمونه اهل بیت علیهم السلام.

واژگان کلیدی: ارتباط، صله رحم، تحکیم خانواده، راهکارهای استحکام روابط خانوادگی، امام رضا علیه السلام.

۱. دانشجوی دکتری دانشجوی دکتری تفسیر تطبیقی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم قم؛ ahaddavari@gmail.com

درآمد

انسان در مقابل هر فردی که در جامعه با آن برخورد می کند یا به نحوی با او در ارتباط باشد مسئول است و این مسئولیت در مقابل افرادی که از لحاظ ارتباط خانوادگی سببی یا نسبی به انسان نزدیک ترند به صورت جدی تری مطرح می شود؛ و به طور طبیعی هر فردی وظیفه دارد تا برای ثبات خانواده خود و تحکیم روابط خود تلاشی در خور داشته باشد، برای این که انسان بتواند این وظیفه را به نحو مطلوبی به انجام رساند باید این روابط با به خوبی بشناسد؛ بی شک زمانی این شناخت کامل خواهد بود که از مجرای وحی نشأت بگیرد، به بیان دیگر صحیح و دقیق بودن این شناخت زمانی تضمین می گردد که از نگاه الهی به این روابط نگریسته شود که بر طبق اعتقاد شیعه ائمه اطهار علیهم السلام مفسران واقعی وحی (و قرآنی) خواهند بود که بر پیامبر گرامی اسلام نازل شده است؛ که البته تفاوتی بین هیچ یک از آن ائمه در تبیین وظایف و مسئولیت های مسلمانان وجود ندارد ولی با توجه به شرایطی که در عصر زندگانی امام رضا علیه السلام حاکم بود بررسی موضوع از نگاه حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام برخی جنبه های نهفته را روشن تر خواهد کرد و حداقل برخی روابط خویشاوندی را مورد تاکید بیشتری قرار خواهد داد؛ البته بی شک اصول کلی روابط خویشاوندی از دیدگاه همه معصومان علیهم السلام یکسان است به طوری که حتی امام رضا علیه السلام تعداد قابل توجهی از احادیث مرتبط با موضوع را از پدران معصوم نقل کرده است. در هر صورت نگاهی به شرایط عصر زندگی امام رضا علیه السلام بیانگر تفاوت محسوس زنگی امام با سایر ائمه می باشد؛ در مقایسه بسیار جزئی با پدر حضرت مشاهده می شود که امام کاظم علیه السلام مدت زیادی در زندان خلیفه وقت به سر برده است (ابن جوزی، ۱۴۱۸ق: ۳۱۵؛ جعفریان، ۱۳۸۱: ۳۹۴) در حالی که امام رضا علیه السلام از آزادی بیشتری برخوردار بوده و حتی بر مسند ولیعهدی نیز تکیه کرده است. قطعاً این آزادی عمل تأثیر بیشتری بر تعامل امام با سایرین داشته است. تفاوت دیگر عصر امام برگزاری مناظرات اعتقادی با علمای فرقه ها و ادیان مختلف و معرفی اسلام ناب توسط امام بود که در عصر سایر ائمه چنین مناظراتی با این وسعت به ندرت یافت می شود. البته بیشتر تعامل امام مربوط به زمانی می شود که به دستور مامون و به طور اجباری (کلینی، ۱۳۶۲: ۴۸۸/۱ و ۴۸۹) از مدینه به مرو هجرت کردند و امکان چنین فعالیت هایی به امام داده شد و گرنه در مدینه رفتار امام بیشتر شبیه سایر ائمه علیهم السلام بود؛ به طوری که در جمله ای خطاب به مامون چنین مساله ای را بازگو کرده و می فرماید: « به خدا سوگند خلافت را هیچ گاه با خود حدیث نفس نکرده ام و فکر آن را در سر نپورانده ام، من در مدینه بودم با همان چهار پای سواری خود در کوچه های آن رفت و آمد می کردم، و مردم آن سامان و غیر از آنان از من حاجتشان را می خواستند، و من آنچه در توانم بود اجابت می کردم و حاجتشان را بر می آوردم» (ابن بابویه، ۱۳۷۸: ۱۶۶/۲ و ۱۶۷؛ جزائری، ۱۴۲۷ق: ۳۷۰/۲). حاصل آنکه با توجه به این شرایط بررسی موضوع از دیدگاه امام رضا علیه السلام اهمیت خاصی پیدا خواهد کرد؛ بویژه که پژوهشی به طور مجزا پیرامون موضوع انجام نگرفته است هر چند به طور ضمنی برخی مباحث مرتبط در لابلای کتب حدیثی بدون تحلیل و بررسی ذکر

شده است؛ از جمله در کتاب مسند الامام الرضا علیه السلام روایاتی از حضرت پیرامون صلّه ارحام ذکر شده است (عطاردی، ۱۴۰۶ق: ۱/ ۲۶۵-۲۶۷) که برای غنای بحث از آنها نیز استفاده شده است.

ناگفته نماند بررسی احادیث مربوط به روابط خانوادگی در نگرش امام رضا علیه السلام به شناخت و آشنایی بیشتر فضای فرهنگی و اجتماعی عصر امام رضا علیه السلام کمک می کند و این آشنایی می تواند به فهم سایر احادیث رضوی کمک کند، البته این مساله متقابل است یعنی شناخت فضای فرهنگی اجتماعی عصر امام علیه السلام نیز به نوبه خود به فهم احادیث مربوط به روابط خویشاوندان کمک می نماید؛ از جمله می توان فهمید در آن عصر کدامیک از خویشان مورد بی مهری مردم واقع بودند که امام ارتباط با آنها را مورد تاکید بیشتری قرار داده است و یا قطع ارتباط با آنها را نکوهش کرده است؛ (هر چند بررسی علل این بی تفاوتی مردم در جای دیگر باید بررسی شود)

نکته ای که در اینجا حائز اهمیت می باشد توجه به این نکته است که مبنای قضاوت احادیثی است که در حال حاضر از امام رضا علیه السلام در دسترس بوده و با واکاوی های مختلف به دست آمده است؛ هر چند نهایت تلاش برای احصاء احادیث رضوی در باب موضوع مورد بحث صورت گرفته است ولی ادعای یافتن همه احادیث رضوی مربوط به ارتباط خانواده وجهی ندارد.

با این توضیح در این مجال بر آنیم تا به این سوالات پاسخ دهیم: خانواده از نظر امام رضا علیه السلام به چه کسانی اطلاق می شود؟ و چه مصادیقی از آن ارائه شده است؟ ارتباط با خویشاوندان چگونه در تحکیم روابط خانوادگی تأثیر می گذارد؟ و بالاخره اینکه امام رضا علیه السلام چه راهکارهایی برای تحکیم روابط خانوادگی ارائه کرده است؟

مفهوم شناسی

تیین و انتقال معانی بدون به کارگیری الفاظ میسر نیست و تلقی غیر همسان از واژگان موجب بروز مشکل در فهم مقصود می گردد، لذا گریزی نیست از اینکه برخی از واژگان کلیدی که اهمیتی ویژه برای نوشتار دارند و مکرر به کار رفته اند توضیح داده شوند تا معانی مورد نظر نویسنده به صورت کامل به خواننده منتقل گردد و فرایند انتقال پیام ناکام نماند، برای نیل به این مقصود به بررسی معنای لغوی و اصطلاحی واژه محوری پژوهش یعنی خویشاوند و امام پرداخته می شود.

الف: امام؛ شناختن «امام» یکی از پیش فرض های پژوهش حاضر می باشد لذا نیازی به معرفی امام رضا علیه السلام نیست، تنها باید این نکته را خاطر نشان کرد که نگرش نویسنده به حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام به عنوان «امام» و یکی از جانشینان برحق پیامبر خاتم حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم می باشد و به طور صرف یک شخصیت تاریخی، حدیثی و مذهبی نمی باشد. بنابر این مراد از احادیث امام رضا علیه السلام، سیره، گفتار و تایید امام علیه السلام می باشد که در تعریف

حدیث در کتب مربوطه لحاظ شده است. (غفاری، ۱۳۶۹: ۱۱)، همچنین نگرش به احادیث رضوی از منظر درون دینی صورت گرفته است یعنی فقط احادیثی مورد توجه قرار گرفته است که در کتب شیعه آمده است و به احادیث نقل شده در کتب عامه استشهاد نشده است هر چند احادیث منقول از آن حضرت در کتب عامه معدود است. تفاوت دیگر احادیث منقول در کتب عامه و شیعه نوع نگرش به حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام می باشد که در نگرش شیعی به عنوان امام معصوم و جانشین برحق پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم می باشد ولی در نگاه اهل سنت حداکثر به عنوان یکی از نوادگان دانشمند و صادق پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می باشد و و عنوان «امام» مدخلیتی در احادیث آنها ندارد.

لازم به ذکر است که مواردی از احادیث رضوی با تعریف فوق مورد توجه قرار گیرد که در سبک زندگی نقش و تأثیری دارند و لذا در مواردی که به سبک زندگی ارتباط معناداری ندارند مورد استدلال قرار نمی گیرند.

ب: خویشاوند؛ خویشاوند به کسی گفته می شود که به واسطه نسبت یا از طرف پدر یا مادر و جز آن به شخص نزدیک باشد (دهخدا، ۱۳۷۷: ۶/۸۹۲۳ و ۸۹۲۴) و به تعبیر قرآن انسانها دارای دو نوع خویشاوندی سببی و نسبی است: وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا فَجَعَلَهُ نَسَبًا وَصِهْرًا (فرقان: ۵۴) بنابراین خویشاوندان به کسانی گفته می شوند که از طرف والدین یا همسر با انسان ارتباط دارند؛ بی شک در این بررسی پدر و مادر، فرزندان، برادران و خواهران و سایر بستگان از قبیل عموها، عمه ها، دایی ها، خاله ها و... جزء خویشاوندان محسوب خواهد شد. در قرآن برای تبیین مفهوم خویشاوندان از تعبیر گوناگونی استفاده شده است که در روایات نیز تعبیر مشابهی دیده می شوند؛ شناخت این تعبیر بدین خاطر اهمیت دارد که در احادیث امام باید به همه این واژه ها توجه نمود تا جامعیت نسبی پژوهش به دست آید، مهم ترین معادل های خویشاوندان را می توان چنین بر شمرد:

- ارحام (جمع رحم): در اصل لغت رحم به معنای محل رشد جنین است (فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ۳/۲۲۴) نظیر عبارت: وَ يُنَزِّلُ الْغَيْثَ وَ يَعْلَمُ مَا فِي الْأَرْحَامِ (لقمان: ۳۴) و به قوم و خویش از آن جهت رحم و ارحام گفته اند که آنها از یک رحم خارج شده اند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۳۴۷) لذا در عبارت وَ اتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَ الْأَرْحَامَ (نساء: ۱) ارحام به معنای خویشاوندان خواهد بود. (طریحی، ۱۳۷۵: ۶/۶۹؛ قرشی، ۱۳۷۱: ۳/۶۸).

- اقرباء: قُرب در مقابل بُعد به معنای نزدیکی است که در مکان، زمان، نسبت فامیلی و... به کار می رود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۶۶۳) مانند لَرَجَالٍ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ (نساء: ۷) و وَالْجَارِ ذِي الْقُرْبَى (نساء: ۳۶).

- نسب؛ به معنای خویشاوندی و خویشاوندان (فراهیدی، ۱۴۱۰ق: ۷/۲۷۱) نظیر آیه فَإِذَا نُفِخَ فِي الصُّورِ فَلَا أَنْسَابَ بَيْنَهُمْ (مومنون: ۱۰۱) هر چند برخی معتقدند فقط در باره خویشاوندان پدری به کار می رود (ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ۱/۷۵۵).

- صهر؛ به معنای مطلق خویشاوندی به کار می رود (ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ۴/۷۱) و گاهی مختص خویشاوندی است که از ناحیه ازدواج حاصل می شود (طریحی، ۱۳۷۵: ۳/۳۷۰) به دلیل تقابلی که درآیه شریفه وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا فَجَعَلَهُ نَسَبًا وَصِهْرًا (الفرقان: ۵۴) وجود دارد.

- عشیره؛ خانواده مرد را گویند که به وسیله آنها زیاد شده و کامل می گردد چرا که عشیره از عشره اخذ شده که عدد کامل است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۵۶۷) برخی نیز آن را اقوام نزدیک پدری یا قبیله گفته‌اند (طریحی، ۱۳۷۵: ۳/۴۰۴) دقت در آیه زیر بیان می کند که عشیره به خویشاوندانی گفته می شود که دورتر از پدران و فرزندان و برادران و همسران هستند چرا که به طور مجزایی درکنار آنها آمده است: قُلْ إِنْ كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ وَأَمْوَالٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا ... (توبه: ۲۴)

- اهل؛ به معنی خانواده، فامیل و خویشاوندان است (طریحی، ۱۳۷۵: ۵/۳۱۴؛ قرشی، ۱۳۷۱: ۱/۱۳۵)، «اهل الرجل» به معنی همسر و نزدیک ترین فرد به مرد (فراهیدی، ۱۴۱۰ق: ۴/۸۹) است. در قرآن کریم گاهی به خانواده (زن و بچه) اطلاق شده است: ذَلِكَ لِمَنْ لَمْ يَكُنْ أَهْلُهُ حَاضِرِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ (بقره: ۱۹۶)

- آل؛ به معنای خاندان و خویشاوندان به کار می رود (طریحی، ۱۳۷۵: ۵/۳۰۹) که در قرآن فقط به معنی قرابت به کار رفته است (قرشی، ۱۳۷۵: ۱/۹۴): لَا يَرْقُبُونَ فِي مُؤْمِنٍ إِلَّا وَلَا ذِمَّةً (توبه: ۱۰).

برخی واژگان نیز معنای ضمنی خویشاوندی را دارند از جمله:

- رهط؛ به معنای قوم و قبیله مرد به کار می رود (ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ۷/۳۰۵) و در صورتی که از ده نفر کمتر باشد به معنای عشیره فرد است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۳۶۷) نظیر عبارت لَوْ لَا رَهْطُكَ لَرَجَمْنَاكَ (هود: ۹۱)

- قوم؛ ظاهراً فقط به مردان گفته می شود و زنان در قوم داخل نمی شوند (فراهیدی، ۱۴۱۰ق: ۵/۲۳۱؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق: ۴/۳۶۷) هر چند برخی معتقدند قوم هم شامل زنان است و هم مردان (ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ۱۲/۵۰۵)؛ گاهی برخی مصادیق قوم در آیات به معنای خویشان نزدیک است مثلاً در آیه إِنْ قَارُونَ كَانَ مِنْ قَوْمِ مُوسَى (قصص: ۷۶) به معنای پسر خاله یا پسر عمو می باشد (طبرسی، ۱۳۷۲: ۷/۴۱۵ و ۴۱۶).

- عترت؛ به خویشان نزدیک اطلاق می شود (ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ۴/۵۳۸) لذا به ذریه پیامبر از حضرت علی و فاطمه علیهماالسلام عترت محمد صلی الله علیه و آله و سلم اطلاق می گردد (طریحی، ۱۳۷۵: ۳/۳۹۶).

با توجه به دشمنی برخی خویشاوندان با انسان (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ مِنْ أَرْوَاحِكُمْ وَأَوْلَادِكُمْ عَدُوًّا لَكُمْ فَاحْذَرُوهُمْ... تغابن: ۱۴) باید خاطر نشان کرد که در منطق قرآن هر کسی که از پدر و مادر متولد شود «اهل» آن خانواده به شمار نمی آید همانطوری که در باره فرزند نوح علیه السلام می فرماید: يَا نُوحُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ (نوح: ۴۶) پس می توان گفت: خانواده و

خویشاوند به کسی گفته می شود که ارتباط دینی یا آیینی با فرد دارد و به هر زن و شوهری در فرهنگ قرآن خانواده گفته نمی شود؛ لذا گاهی از هم کیشان به برادر تعبیر نموده است (اعراف: ۳۸)؛ همچنانکه «اخ» علاوه بر اینکه به فرزند پدر و مادر انسان اطلاق می شود (اعراف: ۱۱۱) به هموطن (و به اصطلاح امروزی یا همشهری) نیز اطلاق می گردد، همانطوری که به عاد (اعراف: ۶۵)، صالح (اعراف: ۷۳)، شعیب (اعراف: ۸۵) و نوح علیهم السلام (شعراء: ۱۰۶) اطلاق گردیده است که به عنوان برادری به سوی قوم خود مبعوث گشته اند. لذا محدوده خویشاوندی در منطق اسلام اسلام و ایمان به خداوند است و کسانی که تسلیم خداوند نیستند هر چند از یک پدر و مادر باشند جزء خویشان محسوب نمی شوند. لذا در صورت دشمنی آنها با خدا باید از آنها تبری جست (مجادله: ۲۲). با این مساله در اسلام برای خویشاوندان غیر مسلمان نیز تاکید به رعایت حقوق شده است. (کلینی، ۱۴۰۷ق: ۲/ ۱۵۲).

نگاه مختصر به روایات منقول از امام رضا علیه السلام نیز این سخن را تایید می کند، امام در فرمایشات خود بارها به نیکی به والدین تاکید می کند که می توان آنها را به عنوان مصادیقی از خویشان و مهم ترین آنها قلمداد نمود؛ همچنین گاهی برخی از مصادیق خویشی را مانند زن، دختر، دختر عمو و یا زن دیگری از سایر بستگان را جزء افرادی می داند که فرد می تواند در دفاع از آنها تا سر حد مرگ دفاع کند: عن أحمد بن محمد بن خالد، عن أبيه عن مَنْ ذَكَرَهُ عَنِ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الرَّجُلِ يَكُونُ فِي السَّفَرِ وَمَعَهُ جَارِيَةٌ لَهُ، فَيَجِيءُ قَوْمٌ يَرِيدُونَ أَخْذَ جَارِيَتِهِ أَوْ يَمْنَعُ جَارِيَتَهُ مِنْ أَنْ تَتَّخِذَ، وَ إِنْ خَافَ عَلَى نَفْسِهِ الْقَتْلَ؟ قَالَ: نَعَمْ، قُلْتُ: وَ كَذَلِكَ إِنْ كَانَتْ مَعَهُ امْرَأَةٌ قَالَ: نَعَمْ، قُلْتُ: وَ كَذَلِكَ الْإِمَّ وَ الْبِنْتُ وَ ابْنَةُ الْعَمِّ وَ الْقَرَابَةُ يَمْنَعُهُنَّ وَ إِنْ خَافَ عَلَى نَفْسِهِ الْقَتْلَ؟ قَالَ: نَعَمْ، قُلْتُ، وَ كَذَلِكَ الْمَالُ يَرِيدُونَ أَخْذَهُ فِي سَفَرٍ فَيَمْنَعُهُ وَ إِنْ خَافَ الْقَتْلَ؟ قَالَ: نَعَمْ. (کلینی، ۱۴۰۷ق: ۵/ ۵۲ و ۵۳)

امام گاهی برادر بزرگ را به منزله پدر معرفی می کند: الْأَخُ الْأَكْبَرُ بِمَنْزِلَةِ الْأَبِ (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق: ۴۴۲) و گاهی دوستی را برتر از بیست سال خویشاوندی می داند و علم را برای خویشاوندی برتر از اجداد معرفی می کند: عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ الْعَبَّاسِ قَالَ سَمِعْتُ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ مَوَدَّةُ عِشْرِينَ سَنَةً قَرَابَةٌ وَ الْعِلْمُ أَجْمَعُ لِأَهْلِهِ مِنَ الْأَبَاءِ؛ (ابن بابویه، ۱۳۷۸: ۱۳۱/۲).

چگونگی تأثیر ارتباط با خویشاوندان در تحکیم روابط خانوادگی

رابطه با خویشاوندان و صله ارحام در احادیث رضوی دارای ثمراتی است که برخی از این فواید در تحکیم روابط خانوادگی مشهود است و امام با شیوه های مختلفی در مقام بیان اهمیت مساله برآمده است تا مردم را که دارای علائق گوناگون هستند با کمک گرفتن از علاقه های آنها به مساله ترغیب نماید:

گاه زیاد شدن ایمان را بهانه ای برای صله ارحام قرار داده و از جد خود امام صادق علیه السلام روایت کرده است که حضرت فرمودند: *صِلَّةُ الْأَرْحَامِ وَحُسْنُ الْخُلُقِ زِيَادَةٌ فِي الْإِيمَانِ*. (علی بن موسی، ۱۴۰۶ق: ۸۲)؛ صله رحم و حسن خلق باعث زیاد شدن ایمان می شود.

گاه زیادت اموال را ثمره صله ارحام معرفی کرده و به نقل از امام باقر علیه السلام می فرمایند: *صِلَّةُ الْأَرْحَامِ وَحُسْنُ الْجَوَارِ زِيَادَةٌ فِي الْأَمْوَالِ*. (علی بن موسی، ۱۴۰۶ق: ۸۵)؛ پیوند با خویشاوندان و خوش رفتاری با همسایگان باعث افزایش ثروت می شود.

گاهی به طول عمر به عنوانی یکی از فواید صله ارحام اشاره کرده و از امام ششم علیهما السلام نقل کرده که حضرت فرمودند: *صِلَّةُ الْأَرْحَامِ وَحُسْنُ الْخُلُقِ زِيَادَةٌ فِي الْأَعْمَارِ* (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۷۱/۹۷)؛ صله ارحام و خلق خوش فزونی در عمرها است (مجلسی، ۱۳۶۴: ۱/۶۳). امام در روایت دیگری از امام حسین علیه السلام نقل کرده است که هر که شاد شود که مرگش به تاخیر افتد (عمرش طولانی گردد) و روزی اش زیاد شود باید صله رحم کند؛ *عَنِ الرَّضَا عَنْ آبَائِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ قَالَ قَالَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَنْ سَرَّهُ أَنْ يُسَأَ فِي أَجَلِهِ وَ يُزَادَ فِي رِزْقِهِ فَلْيَصِلْ رَحِمَهُ* (ابن بابویه، ۱۳۷۸: ۲/۴۴؛ ابن بابویه، ۱۳۷۲: ۲/۵۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۷۱/۹۱؛ عطاردی، ۱۴۰۶: ۱/۲۶۶). همچنین می فرمایند: *مَا نَعْلَمُ شَيْئاً يَزِيدُ فِي الْعُمُرِ إِلَّا صِلَةَ الرَّحِمِ يَكُونُ الرَّجُلُ يَصِلُ رَحِمَهُ فَيَكُونُ قَدْ بَقِيَ مِنْ عُمُرِهِ ثَلَاثُ سِنِينَ فَيُصَيِّرُهَا اللَّهُ ثَلَاثِينَ سَنَةً - وَ يَفْعَلُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ؛ مَا چیزی را که باعث طول عمر شود نمی شناسیم به جز صله رحم، چه بسا مردی صله رحم می کند که از عمرش سه سال باقی مانده است و خداوند (به خاطر صله رحم سه سال باقیمانده را) سی سال می کند و خداوند هر چه را بخواهد انجام می دهد. (عطاردی، ۱۴۰۶: ۱/۲۶۵). در برخی از روایت ها ادامه روایت فوق چنین آمده است که فردی که سی سال از عمرش باقیمانده است به دلیل قطع رحم به سه سال کاهش می یابد؛ *وَ يَكُونُ أَجَلُهُ ثَلَاثًا وَ ثَلَاثِينَ سَنَةً فَيَكُونُ قَاطِعاً لِلرَّحِمِ فَيَنْقُصُهُ اللَّهُ ثَلَاثِينَ سَنَةً وَ يَجْعَلُ أَجَلَهُ إِلَى ثَلَاثِ سِنِينَ* (عطاردی، ۱۴۰۶: ۱/۲۶۶). علامه مجلسی در شرح روایت فوق می نویسد: با توجه به اینکه در برخی روایت ها مواردی چون صدقه و حسن همجواری و امثال آنها باعث طول عمر می شود انحصار طول عمر به صله رحم (مَا نَعْلَمُ شَيْئاً يَزِيدُ فِي الْعُمُرِ إِلَّا صِلَةَ الرَّحِمِ) به دلیل اثر گذاری بیشتر صله رحم در طول عمر نسبت به سایر چیزهاست و یا اینکه به دلیل تأثیر استقلالی صله رحم در طول عمر است برخلاف سایر موارد که تأثیر استقلالی ندارند. (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۷۱/۱۲۱).*

در باره نحوه تأثیر صله ارحام در تحکیم نهاد خانواده می توان به جلب محبت خانواده اشاره کرد که بزنطی از امام رضا علیه السلام در تبیین این ارتباط چنین نقل کرده است: *صله رحم باعث به تاخیر افتادن مرگ، زیاد شدن مال و جلب محبت خانواده است؛ صِلَةُ الرَّحِمِ مَنْسَأَةٌ فِي الْأَجْلِ، مَثْرَاءٌ فِي الْمَالِ، وَ مَحَبَّةٌ فِي الْأَهْلِ* (حمیری، ۱۴۱۳ق: ۳۵۵؛ کلینی، ۱۴۰۷ق: ۲/۱۵۱)

همچنین امام رضا علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرده است که حضرت فرمودند: *مَنْ ضَمِنَ لِي وَاحِدَةً ضَمِنْتُ لَهُ أَرْبَعَةً - يَصِلُ رَحِمَهُ فَيَجِبُ أَهْلُهُ وَ يُوسَعُ عَلَيْهِ فِي رِزْقِهِ - وَ يُزَادُ فِي أَجَلِهِ وَ يُدْخِلُهُ اللَّهُ فِي الْجَنَّةِ الَّتِي وَعَدَهُ* (علی

بن موسی، ۱۴۰۶ق: ۵۶؛ ابن بابویه، ۱۳۷۸: ۳۷/۲؛ هر کس یک چیز را برای من ضمانت کند، من چهار چیز را برای او ضمانت می‌کنم. با خویشاوندان خود رابطه داشته باشد، تا خدا او را دوست بدارد، و به او روزی فراخ دهد، و عمر او را طولانی کند و او را به بهشتی که وعده داده است وارد کند.

ناگفته نماند یکی از بهترین زمان‌ها برای صله ارحام توسط معصومان علیهم السلام ماه رمضان معرفی شده است به طوری که حضرت رضا علیه السلام با نقل خطبه شعبانیه پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم، رحمت پروردگار را از ثمرات صله رحم در ماه رمضان معرفی می‌کند: مَنْ وَصَلَ فِيهِ رَحِمَهُ وَصَلَهُ اللَّهُ بِرَحْمَتِهِ يَوْمَ يَلْقَاهُ وَ مَنْ قَطَعَ فِيهِ رَحِمَهُ قَطَعَ اللَّهُ عَنْهُ رَحْمَتَهُ يَوْمَ يَلْقَاهُ (ابن بابویه، ۱۳۷۸: ۲۹۶/۱) و هر کس در این ماه صله رحم کند، خداوند او را در روزی که ملاقاتش میکند، به رحمت خود پیوند می‌دهد، و هر کس در این ماه قطع رحم کند، خداوند رحمتش را- در روزی که او خدا را ملاقات میکند- از او قطع خواهد کرد (ابن بابویه، ۱۳۷۲: ۵۹۹/۱).

نکته قابل توجه آن است که صله ارحام همیشه در کنار خصوصیت اخلاقی حسن خلق ذکر شده است، شاید به این خاطر که این دو در همدیگر تأثیر دارند یعنی حسن خلق باعث صله ارحام می‌شود یا اینکه صله ارحام باید با حسن خلق همراه باشد. از طرف دیگر قطع رحم نیز باعث سستی نهاد خانواده و گسستن ارتباط خویشی می‌گردد و اهمیت آن تا اندازه ای است که قطع رحم در کنار مواردی چون بی توجهی به قرآن نکوهش شده و همتراز با آن قرار گرفته است، از جمله امام رضا علیه السلام می‌فرماید:

سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله وَ سلم يَقُولُ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ اسْتِخْفَافًا بِالذِّينِ وَ مَنَعَ الْحُكْمِ وَ قَطِيعَةَ الرَّحِمِ وَ أَنْ تَتَّخِذُوا الْقُرْآنَ مَرَامِيرَ يُقَدِّمُونَ أَحْلَاهُمْ وَ كَيْسَ بِأَفْضَلِهِمْ فِي الدِّينِ (علی بن موسی، ۱۴۰۶ق: ۷۸)؛ از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم می‌فرمود: من از این ترسانم که شما در آینده دین را کوچک و بی‌اهمیت شمارید و بدان بی‌اعتنائی کنید، و در مورد حکم رشوه گیرید و منصب قضاء و داوری را خرید و فروش نمائید، و قطع رحم کنید، قرآن را آلت لهو و لعب قرار دهید و با قرائت آن مجلس انس آوازخوانی و نوازندگی تشکیل دهید، و بالاخره در نماز جماعت کسانی را مقتدا قرار دهید که در دین از شما بالاتر نیستند. (ابن بابویه، ۱۳۷۲: ۵۰/۲).

امام رضا علیه السلام اهمیت مساله را به اندازه ای می‌داند که بی‌تقوایی از پیامدهای قطع رحم دانسته شده و در این زمینه چنین استدلال می‌کند: خداوند به سه چیز دستور داده است که همراه با سه چیز دیگرند، به نماز و زکات امر فرمود، که هر کس نماز بخواند و زکات ندهد نمازش قبول نخواهد شد، و به سپاسگزاری از خویش و والدین امر فرموده که هر کس از پدر و مادرش تشکر و سپاسگزاری نکند خداوند را شکر نکرده است و امر به تقوی و صله رحم نموده است و هر کس صله رحم نکند در واقع تقوی نداشته است. (ابن بابویه، ۱۳۷۲: ۵۳۲/۱ و ۵۳۳)؛ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ أَمَرَ بِثَلَاثَةٍ مَقْرُونٍ بِهَا ثَلَاثَةٌ أُخْرَى أَمَرَ بِالصَّلَاةِ وَ

الزَّكَاةِ فَمَنْ صَلَّى وَ لَمْ يُزَكِّ لَمْ يَقْبَلْ مِنْهُ صَلَاتُهُ وَ أَمَرَ بِالشُّكْرِ لَهُ وَ لِلْوَالِدَيْنِ فَمَنْ لَمْ يَشْكُرْ وَ الْوَالِدِيهِ لَمْ يَشْكُرِ اللَّهَ وَ أَمَرَ بِاتِّقَاءِ اللَّهِ وَ صِلَةِ الرَّحِمِ فَمَنْ لَمْ يَصِلْ رَحِمَهُ لَمْ يَتَّقِ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ. (ابن بابویه، ۱۳۷۸: ۱/ ۲۵۸).

قسمت اول روایت در آیات متعددی ذکر شده است از جمله در آیه ۷۱ سوره توبه چنین می خوانیم: وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ؛ و مردان و زنان با ایمان دوستان یکدیگرند که به کارهای پسندیده و از کارهای ناپسند باز می دارند و نماز را بر پا می کنند و زکات می دهند و از خدا و پیامبرش فرمان می برند آنانند که خدا به زودی مشمول رحمتشان قرار خواهد داد که خدا توانا و حکیم است.

قسمت دوم می تواند اشاره به آیه ۱۴ سوره لقمان باشد که می فرماید: وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهْنًا عَلَى وَهْنٍ وَفِصَالُهُ فِي عَامَيْنِ أَنْ اشْكُرْ لِي وَ لِوَالِدَيْكَ إِلَيَّ الْمَصِيرُ؛ انسان را در باره پدر و مادرش سفارش کردیم مادرش به او باردار شد سستی بر روی سستی و از شیر باز گرفتنش در دو سال است [آری به او سفارش کردیم] که شکرگزار من و پدر و مادرت باش که بازگشت [همه] به سوی من است.

قسمت آخر روایت اشاره به آیه اول سوره نساء دارد که می فرماید: وَأَتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا؛ و از خدایی که به [نام] او از همدیگر درخواست می کنید پروا نمایید و زنهار از خویشاوندان مبرید که خدا همواره بر شما نگهبان است.

امام رضا علیه السلام عقوق والدین را که یکی از مهم ترین مصادیق قطع ارتباط با خویشاوندان است باعث منع توفیق اطاعت پروردگار دانسته و می فرماید: حَرَّمَ اللَّهُ عُقُوقَ الْوَالِدَيْنِ لِمَا فِيهِ مِنَ الْخُرُوجِ مِنَ التَّوْفِيقِ لِطَاعَةِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ التَّوْقِيرِ لِلْوَالِدَيْنِ وَ تَجَنُّبِ كُفْرِ النِّعْمَةِ وَ إِبْطَالِ الشُّكْرِ وَ مَا يَدْعُو مِنْ ذَلِكَ إِلَى قَلْبِهِ النَّسْلِ وَ انْقِطَاعِهِ لِمَا فِي الْعُقُوقِ مِنْ قَلْبِهِ تَوْقِيرِ الْوَالِدَيْنِ وَ الْعِرْفَانِ بِحَقِّهِمَا وَ قَطْعِ الْأَرْحَامِ وَ الزُّهْدِ مِنَ الْوَالِدَيْنِ فِي الْوَالِدِ وَ تَرْكِ التَّرْبِيَةِ بَعْلَهُ تَرْكِ الْوَالِدِ بَرَّهُمَا (ابن بابویه، ۱۳۷۸: ۲/ ۹۱)؛ خدا عقوق والدین را حرام کرد، چون باعث بی توفیقی در اطاعت خدا عز و جل شود و هم احترام والدین از بین می رود و نعمت خدا کفران می شود و اساس سپاسگزاری نابود می شود و آنچه را که میخواند به سوی قَلت نسل و انقطاع آن به بار می آورد، زیرا در مخالفت والدین و ناراضی ساختن آنان احترامی برای پدر و مادر باقی نمی ماند و حقوقشان شناخته نمی شود و خویشی قطع می گردد و والدین رغبتی به فرزند نخواهند داشت و لذا در تربیت او کوششی نخواهند نمود، برای آنکه امیدی به نیکی او در عوض ندارند چرا که فرزند اطاعت آنان را رها کرده است. (مجلسی، ۱۳۶۴: ۱/ ۴۷؛ ابن بابویه، ۱۳۷۲: ۲/ ۱۷۹).

در روایت دیگری امام به نقل حدیثی نبوی پرداخته و عقوق والدین را با توجه به آیه وَالَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ لَهُمُ اللَّعْنَةُ وَ لَهُمْ سُوءُ الدَّارِ (رعد: ۲۵) باعث دوری از رحمت

پروردگار معرفی می کند: ... و نیز ترک عمدی نماز و یا هر واجب دیگری، زیرا رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «هر کس نماز را عمداً و بی دلیل ترک کند، رابطه اش با خدا قطع خواهد شد و خداوند با او پیمانی نخواهد داشت»، و نیز عهدشکنی و قطع صلّه رحم، زیرا خداوند میفرماید: «أُولَئِكَ لَهُمُ اللَّعْنَةُ وَ لَهُمْ سُوءُ الدَّارِ» (ابن بابویه، ۱۳۷۲: ۵۸۵/۱)؛ ... وَ تَرَكَ الصَّلَاةَ مُتَعَمِّدًا أَوْ شَيْئًا مِمَّا فَرَضَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لِأَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص قَالَ مَنْ تَرَكَ الصَّلَاةَ مُتَعَمِّدًا مِنْ غَيْرِ عِلَّةٍ فَقَدْ بَرِيَ مِنْ ذِمَّةِ اللَّهِ وَ ذِمَّةِ رَسُولِهِ وَ نَقَضَ الْعَهْدَ وَ قَطِيعَةَ الرَّجْمِ لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ أُولَئِكَ لَهُمُ اللَّعْنَةُ وَ لَهُمْ سُوءُ الدَّارِ (ابن بابویه، ۱۳۷۲: ۲۸۷/۱).

راهکارهای تحکیم روابط خانوادگی

با نگرش کلی به نقش خویشاوندان، در احادیث امام رضا علیه السلام راه کارهایی برای تحکیم روابط خانوادگی ارائه شده است که رعایت آنها می تواند خانواده را در ارتباط های خود مستحکم نموده و از سستی و گسستگی نهاد خانواده جلوگیری نماید، برخی از این عوامل نظیر حسن خلق تأثیر فوری در استحکام روابط دارد (اثر بالفعل) و برخی دیگر نظیر تربیت فراگیر فرزندان در سال های آینده تأثیرگذار است (تأثیر بالقوه) به بیان دیگر اثر آن در بزرگسالی خواهد گذاشت و باعث خواهد شد که فرزندان نیز خانواده مستحکمی داشته باشند. مهم ترین این راهکارها را می توان چنین برشمرد:

الف: حسن خلق با خانواده

امام رضا علیه السلام از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل می فرماید: أَفْرَبُّكُمْ مِنِّي مَجْلِسًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَحْسَنُكُمْ خُلُقًا وَ خَيْرُكُمْ خَيْرُكُمْ لِأَهْلِهِ (علی بن موسی، ۱۴۰۶ق: ۶۷) نزدیک ترین شما به من در روز قیامت، خوش خوی ترین و مهربان ترین آنها نسبت به خانواده اش می باشد. و من مهربان ترین شما به خانواده ام می باشم.

در روایت دیگری نیز عبارت مشابهی را نقل می کند: وَ بِإِسْنَادِهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص أَحْسَنُ النَّاسِ إِيمَانًا أَحْسَنُهُمْ خُلُقًا - وَ الْأَطْفُلُ بِأَهْلِهِ وَ أَنَا الْأَطْفُلُ بِأَهْلِي (علی بن موسی، ۱۴۰۶ق: ۶۷) بهترین مردم از نظر ایمان، خوش خوی ترین و مهربان ترین آنها نسبت به خانواده اش می باشد. و من مهربان ترین شما به خانواده ام هستم.

ب: صلّه ارحام

در باره چگونگی تأثیر صلّه ارحام در تحکیم روابط خانوادگی مطالبی ذکر شد، لیکن باید اضافه کرد که صلّه ارحام به عنوان راهکاری مطمئن برای تحکیم روابط خانوادگی است که نمونه های دیگری را اضافه می کنیم: ولید بن ابان می گوید: از امام رضا علیه السلام پرسیدم که آیا بر عهده شخص در مال خود جز زکات چیزی هست؟ فرمود: «آری، در آنجا که خدا فرموده است:

«وَالَّذِينَ يَصِلُونَ...». روى الوليد بن أبان عن أبى الحسن الرضا ع قال قلت له هل على الرجل فى ماله سوى الزكاة قال نعم أين ما قال الله «وَالَّذِينَ يَصِلُونَ...» (رعد: ۲۱) (طبرسى، ۱۳۷۲: ۶/ ۴۴۴)

همچنين امام رضا عليه السلام كمتريين ميزان صله رحم حداقل به جرعه نوشيدنى از آب مى داند و حتى برتر از نوشاندن آب نيز بهترين صله رحم را آزار ندادن آنها مى شمارد: عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرُّضَاعِ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع صِلْ رَحِمَكَ وَ لَوْ بِشَرْبَةِ مِنْ مَاءٍ وَ أَفْضَلُ مَا تُوَصَّلُ بِهِ الرَّحِمُ كَفُّ الْأَذَى عَنْهَا. (كليني، ۱۴۰۷: ۱۵۱/۲؛ ابن شعبه حرانى، ۱۴۰۴: ۴۴۵).

ج: نيكي به والدين

اسلام ارزش زيادى براى والدين قائل شده است و در آيات متعددى از قرآن براى احترام به آنها سفارش شده است (البقره: ۸۳، الأنعام: ۱۵۱، توبه ۲۳ و ۲۴، الإسراء: ۲۵-۲۳، مريم: ۱۴، مريم: ۳۲، العنكبوت: ۸، لقمان: ۱۴ و ۱۵، الأحقاف: ۱۵)؛ امام رضا عليه السلام نيز در سفارش هاى متعددى پيروان خود را به اين امر راهنمايى کرده است: گاهى از قول پيامبر اعظم صلى الله عليه و آله و سلم نقل مى كند كه حتى نگاه به چهره والدين عبادت است: النَّظَرُ فِي ثَلَاثَةِ أَشْيَاءَ عِبَادَةٌ- النَّظَرُ فِي وَجْهِ الْوَالِدَيْنِ وَ فِي الْمُصْحَفِ وَ... (على بن موسى، ۱۴۰۶: ۹۰) و گاهى در تفسير آيه وَقَضَى رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَبُلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أَفًّا وَلَا تَنْهَرُهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا (اسراء: ۲۳) كمتريين ميزان بى احترامى به والدين را گفتن كلمه «اف» مى داند: : أذْنَى الْعُقُوقِ أَفٌّ وَ لَوْ عَلِمَ اللَّهُ تَعَالَى شَيْئًا أَهْوَنَ مِنْ أَفٍّ لَنَهَى عَنْهُ (على بن موسى، ۱۴۰۶: ۸۲).

امام در پاسخ به سوال كسى كه در باره نيكي به والدينى سوال مى كند كه بر مذهب حق نيستند مى فرمايد: ادْعُ لَهُمَا وَ تَصَدَّقْ عَنْهُمَا وَ إِنْ كَانَا حَيِّينِ لَأَيَعْرِفَانِ الْحَقَّ فِدَارِهِمَا (كليني، ۱۴۰۷: ۱۵۹/۲): برايشان دعا كن و از آنها صدقه بده و اگر زنده اند و عارف بحق نيستند با آنها مدارا كن.

در كتاب فقه الرضا نيز درباره نيكي به پدر چنين دستور مى دهد: عَلَيْكَ بِطَاعَةِ الْأَبِ وَ بَرِّهِ وَ التَّوَاضُعِ وَ الْخُضُوعِ وَ الْإِعْظَامِ وَ الْإِكْرَامِ لَهُ وَ خَفْضِ الصَّوْتِ بِخَضْرَتِهِ فَإِنَّ الْأَبَ أَصْلُ الْبَابِ وَ الْبَابُ فَرَعُهُ لَوْلَاهُ لَمْ يَكُنْ يَقْدَرُهُ اللَّهُ ابْتَدَلُوا لَهُمُ الْأَمْوَالُ وَ الْجَاهُ وَ النَّفْسُ (مجلسى، ۱۴۰۳: ۷۶/۷۱ و ۷۷)؛ تو باد فرمان برى از پدر و نيكي به او، و تواضع و خشوع و احترام او، و فرود آواز در حضور او، زيرا پدر اصل پسر است و پسر فرع او، اگر او نبود خدا پسر را مقدر نمى كرد، در راه آنان مال و جاه و جان را فدا كنيد. (مجلسى، ۱۳۶۴: ۴۹/۱)

د: توجه به تربيت فراگير فرزندان

والدین به طور معمول اولین کسانی هستند که فرزند در ابتدای زندگی با آنها روبرو می شود و می توان آنها را پناه کودکان محسوب کرد لذا سفارش های ویژه ای نسبت به فرزندان در اندیشه رضوی دیده می شود؛ حتی امام اهمیت والدین را تا جایی می داند که می فرماید: به فرزندان نیک و احسان کنید، زیرا آنها گمان می کنند شما روزیشان می دهید؛ بَرُّوا أَوْلَادَكُمْ وَأَحْسِنُوا إِلَيْهِمْ فَإِنَّهُمْ يُطْنُونَ أَنْكُمْ تَرُزُقُونَهُمْ (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۷۱/۷۷)

در احادیث رضوی نیک و احسان به فرزندان مصادیق متعددی دارد از جمله نامگذاری به نام نیک (علی بن موسی، ۱۴۰۶ق: ۴۴)، اذان گفتن در موقع تولد (علی بن موسی، ۱۴۰۶ق: ۸۹)، ختنه کردن (علی بن موسی، ۱۴۰۶ق: ۴۱)، استفاده از شیر مادر (علی بن موسی، ۱۴۰۶ق: ۵۰) و...

البته توجه به کودکان نباید باعث بی توجهی به والدین و سایر خویشاوندان گردد؛ لذا امام در باره نیک و احسان به والدین در کنار نیک و احسان به فرزندان نیز تاکید کرده است: إِنَّمَا سُمُّوا الْأَبْرَارَ لِأَنَّهُمْ بَرُّوا الْأَبَاءَ وَالْأُمَّنَاءَ (ابن بابویه، ۱۳۷۸: ۷۰/۲)؛ همچنین به مردی فرمود: پدر و مادرت زنده هستند؟ گفت: نه، فرمود: فرزند داری؟ گفت: آری، فرمود: به فرزندت نیک کن که در حساب نیک و احسان والدینت باشد؛ أَنَّهُ قَالَ لِرَجُلٍ أَلَا لَكَ وَالِدَانِ فَقَالَ لَا فَقَالَ أَلَا لَكَ وَوَلَدٌ قَالَ لَهٗ بَرٌّ وَوَلَدٌ يُحْسَبُ لَكَ بَرٌّ وَالِدَيْكَ. (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۷۱/۷۷)

سیره عملی امام رضا علیه السلام نیز بیانگر نهایت توجه به فرزند است به طوری که حتی امام جواد علیه السلام را نام صدا نمی کند بلکه با کنیه می خواند که ادب بیشتر را می رساند: اما سلوکه مع ابنائهم فقد تمیز بأروع الوان التربية الاسلامية خصوصاً مع ولده الامام الجواد علیه السلام، فکان لا یذکره باسمه، و انما کان یکنیه، یقول: کتب الی جعفر، کنت کتبت الی ابي جعفر کل ذلک لتنمیة روح العزّة و الکرامه فی نفسه. (شریف قرشی، ۱۳۸۰: ۲۹/۱)

هـ: رعایت حقوق اقتصادی خانواده

محسوس ترین چیزی که در ارتباط خانوادگی به ذهن عموم مردم خطور می کند مسائل مالی و اقتصادی آنهاست، چرا که اموال دنیا قابل رویت با چشم بوده و زودتر از سایر مسائل نظیر حسن خلق جلب توجه کرده و قابل اثبات هستند، شاید به همین جهت باشد که در آیات متعددی نسبت به اطعام ایتم خویشاوند تاکید شده است: فَلَا افْتَحَمَ الْعَقَبَةُ وَمَا أُذْرَاكَ مَا الْعَقَبَةُ فَكُلْ رَقَبَةً أَوْ إِطْعَامًا فِي يَوْمٍ ذِي مَسْعَبَةٍ يَتِيمًا ذَا مَقْرَبَةٍ. (بلد: ۱۱-۱۵). همچنین برخی از خویشاوندان نسبت به بعضی دیگر در کتاب خدا اولویت دارند: وَأَوْلُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ (انفال: ۷۵) این جمله راجع به ولایت ارث است که خداوند آن را در میان ارحام و خویشاوندان تشریح می کند (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۹/۱۹۰)

امام رضا علیه السلام به عنوان مفسر واقعی آیات قرآن برخی اشارات در زمینه مسائل اقتصادی خویشاوندان را مطرح کرده است، گاهی تاکید کرده است که نفقه نیکویی بدهید تا بر شما نیکی شود: *مَنْ يُحْسِنِ النَّفَقَةَ فَلَهُ حَسَنَةٌ* (علی بن موسی، ۱۴۰۶ق: ۵۰) و گاهی تاکید می کند کسی که نعمت دارد باید که بر عیالش در هزینه وسعت بخشد: *صَاحِبُ النُّعْمَةِ يَجِبُ أَنْ يُوسِعَ عَلَى عِيَالِهِ* (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق: ۴۴۲). حضرت گاهی وارد مصادیق شده و می فرمایند: از سنت نبوی اطعام دادن در موقع ازدواج است: *مِنَ السُّنَنِ إِطْعَامُ الطَّعَامِ عِنْدَ التَّزْوِيجِ* (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق: ۴۴۵) و البته کسی که درباره حقوق اقتصادی خویشاوندان کوتاهی می کند در اندیشه امام به شدت مورد نکوهش قرار گرفته است از جمله در باره کسی که مهریه زنش را به تاخیر می اندازد می فرماید: خدای متعال همه گناهان را می آمرزد، مگر کسی را که مهریه زن را به تأخیر افکند، یا مزد کارگری را پایمال کند و یا انسان آزادی را بفروشد: *إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى غَافِرٌ كُلِّ ذَنْبٍ إِلَّا مَنْ أَخَّرَ مَهْرًا أَوْ اغْتَصَبَ أُجِيرًا أَوْ بَاعَ رَجُلًا حُرًّا* (علی بن موسی، ۱۴۰۶ق: ۶۴).

و: الگوگیری از خانواده نمونه اهل بیت علیهم السلام

معرفی الگو برای تأسی مردم راهکار دیگری است که می تواند به تحکیم روابط خانوادگی منجر شود، لذا امام علیه السلام بارها به معرفی نیکوترین خانواده روی زمین پرداخته و از هر فرصتی در این زمینه کمک گرفته است، از جمله در جلسه ای مامون از حضرت پرسید عترت پیامبر چه کسانی هستند؟ امام علیه السلام در پاسخ فرمودند: کسانی هستند که خداوند توصیف آنها را در کتاب خود با آیه تطهیر بیان کرده و فرموده است: *إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا* (احزاب: ۳۳)، همان کسانی که رسول خدا در باره آنها فرمود من دو چیز گرانبها در بین شما به یادگار می گذارم: کتاب خدا و عترت اهل بیتم که این دو تا روز قیامت از همدیگر جدا نمی شوند، آنها از شما مردم برتر و عالم تر هستند: *الَّذِينَ وَفَّهَمَ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ فَقَالَ: إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا* و هم *الَّذِينَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ إِنِّي مُخَلَّفٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ وَ عِترتی اهل بیتی، و اینها لن یفترقا حتی یردا علی الحوض و انظروا کیف تخلفونی فیهما آیاها الناس لا تعلموهم فإنهم أعلم منکم*. (ابن بابویه، ۱۳۷۶: ۵۲۳؛ طبری آملی، ۱۳۸۳ق: ۲/۲۲۸).

امام رضا علیه السلام به نقل از امیر مومنان به معرفی خانواده موفق و نمونه ای پرداخته که در کارها همدل و همراه همدیگرند: پدرم علی بن ابی طالب فرموده: در حفر خندق با فرستاده خدا صلی الله علیه و آله و سلم همراه بودیم، در این هنگام فاطمه علیها السلام آمد و همراه او پاره نانی بود، آن را به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم داد. پیامبر فرمود: این پاره نان چیست؟ فاطمه علیها السلام عرض کرد: گردهی نانی برای حسن و حسین علیهما السلام پختم، بخشی از آن را برای شما آوردم. آنگاه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: این اولین غذائی است که پس از سه روز به دهان پدرت رسیده است؛ *وَ بِإِسْنَادِهِ قَالَ عَلِيُّ كُنَّا مَعَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلِمَ فِي حَفْرِ الْخَنْدَقِ إِذْ جَاءَتْ فَاطِمَةُ وَ مَعَهَا كِسْرَةٌ مِنْ خُبْزٍ فَدَفَعَتْهَا إِلَيَّ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ*

آله و سلم فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله و سلم مَا هَذِهِ الْكِسْرَةُ قَالَتْ قُرْصًا خَبَزْتُهُ لِلْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ جِئْتُكَ مِنْهُ (علی بن موسی، ۱۴۰۶ق: ۷۱).

نتیجه گیری

- تلاش هر فردی برای تحکیم روابط خانوادگی و آشنایی با عوامل آن مورد تحسین است، بویژه اگر این عوامل از نگاه وحی الهی مورد تحلیل قرار گیرد و طبق اعتقاد شیعه امام رضا علیه السلام به عنوان یکی از مفسران وحی الهی بوده و با توجه به شرایط خاص فرهنگی، اجتماعی و سیاسی عصر آن حضرت، بررسی مساله از آن دیدگاه اهمیت ویژه ای خواهد داشت.
- خویشاوند به کسی گفته می شود که به واسطه نسبت یا از طرف پدر یا مادر به شخص نزدیک باشد و دارای دو نوع سببی و نسبی است.
- از جمله ثمرات رابطه با خویشاوندان، تحکیم روابط خانوادگی است؛ لذا امام رضا علیه السلام با شیوه های گوناگونی به صله ارحام ترغیب کرده است، از جمله به ذکر فواید صله رحم همچون زیاد شدن ایمان، روزی و طول عمر پرداخته و قطع رحم را نکوهش کرده و پیامدهای آن را برشمرده است.
- نحوه تأثیر صله رحم در تحکیم نهاد خانواده با ایجاد و جلب محبت بین اعضای خانواده صورت می گیرد.
- در احادیث امام رضا علیه السلام راهکارهایی برای تحکیم روابط خانوادگی در سایه ارتباط با خویشاوندان ارائه شده است که برخی اثر بالفعل و برخی اثر بالقوه دارند و مهم ترین آنها عبارتند از: حسن خلق با خانواده، صله ارحام، نیکی به والدین، توجه به تربیت فراگیر فرزندان، رعایت حقوق اقتصادی خانواده، الگوگیری از خانواده نمونه اهل بیت علیهم السلام.

والحمد لله رب العالمین

فهرست منابع

- قرآن کریم

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۷۶)، **الأمالی**، تهران: کتابچی، چاپ ششم.
۲. _____ (۱۳۷۸)، **عیون اخبار الرضا علیه السلام**، تهران: جهان، چاپ اول، ۲ ج.
۳. _____ (۱۳۷۲)، **عیون أخبار الرضا علیه السلام**، ترجمه حمید رضا مستفید و علی اکبر غفاری، تهران: صدوق، چاپ اول، ۲ ج.
۴. ابن جوزی، سبط (۱۴۱۸ق)، **تذکره الخواص**، قم: منشورات شریف الرضی، چاپ اول.
۵. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴ق)، **تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیه و آله**، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین، چاپ دوم.
۶. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، **لسان العرب**، بیروت: دار صادر، چاپ سوم، ۵ ج.
۷. جزائری، نعمت الله بن عبد الله (۱۴۲۷ق)، **ریاض الابرار فی مناقب الائمة الاطهار**، بیروت: موسسه التاريخ العربی، چاپ اول، ۳ ج.
۸. جعفریان، رسول (۱۳۸۱)، **حیات فکری و سیاسی ائمه علیهم السلام**، قم: انصاریان، چاپ ششم.
۹. حمیری، عبدالله بن جعفر (۱۴۱۳ق)، **قرب الإسناد**، قم: موسسه آل البيت علیهم السلام، چاپ اول.
۱۰. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷)، **لغت نامه دهخدا**، تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۱۶ ج.
۱۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، **المفردات فی غریب القرآن**، تحقیق صفوان عدنان داودی، دمشق/بیروت: دارالعلم/دارالشامیه، چاپ اول.
۱۲. زمخشری، محمود (۱۴۰۷ق)، **الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل**، بیروت: دار الكتاب العربی، چاپ سوم، ۴ ج.
۱۳. شریف قرشی، باقر (۱۳۸۰)، **حیة الامام الرضا علیه السلام**، قم: سعید بن جبیر، چاپ دوم، ۲ ج.
۱۴. طباطبائی، محمد حسین (۱۳۷۴)، **المیزان فی تفسیر القرآن**، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ پنجم، ۲۰ ج.
۱۵. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲)، **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**، تهران: ناصر خسرو، چاپ سوم، ۱۰ ج.
۱۶. طبری آملی، محمد بن ابی القاسم (۱۳۸۳ق)، **بشارة المصطفى لشعبة المرتضى (ط - القديمة)**، نجف: المكتبة الحیدریة، چاپ دوم، ۲ ج.
۱۷. طریحی، فخرالدین (۱۳۷۵)، **مجمع البحرين**، تحقیق: احمد حسینی، تهران: کتابفروشی مرتضوی، چاپ سوم، ۶ ج.

۱۸. عطاردی، عزیز الله (۱۴۰۶ق)، مسند الامام الرضا ابی الحسن علی بن موسی الرضا علیهما السلام، مشهد: آستان قدس رضوی، چاپ اول، ۲ج.
۱۹. علی بن موسی، امام هشتم علیه السلام (۱۴۰۶ق)، صحیفه الإمام الرضا علیه السلام، تحقیق محمد مهدی نجف، مشهد: کنگره جهانی امام رضا علیه السلام، چاپ اول.
۲۰. غفاری، علی اکبر (۱۳۶۹)، دراسات فی علم الدراية، تهران: جامعه الامام الصادق علیه السلام، چاپ اول
۲۱. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰ق)، کتاب العین، قم: هجرت، چاپ دوم، ۹ج.
۲۲. قرشی، علی اکبر (۱۳۷۱)، قاموس قرآن، تهران: دار الکتب الإسلامیة، چاپ ششم، ۷ج.
۲۳. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷)، الکافی، تهران: اسلامیة، چاپ چهارم، ۸ج.
۲۴. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۳۶۴)، آداب معاشرت، ترجمه ج ۷۱ و ۷۲ بحار الانوار، ترجمه محمد باقر کمره ای، تهران: اسلامیة، چاپ اول، ۲ج.
۲۵. _____ (۱۴۰۳ق)، بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار علیهم السلام، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ دوم. ۱۱۱ جلد